

جوان مسلمان در انتظار اما می معصوم گفت و گو با غلامرضا گلی زواره

محمد کاظم اطمینان



اشاره:

استاد غلامرضا گلی زواره از فرهنگیان فاضل و نویسندگان پرتلاش هستند که با نگارش بیش از بیست جلد کتاب و صد مقاله در مجلات و روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور، کارنامه‌ای درخشان از حیات علمی خود بر جای نهاده‌اند. تعبد، تقی، تواضع و فروتنی در کنار درد و دغدغه چهارم‌ای مه‌بران از این معلم دلسوز در بین اهل قلم، خصوصاً طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ساخته است.

این شخصیت که افتخاری برای جامعه فرهنگی کشور به شمار می‌آید، در چندسال گذشته به خاطر دفاع از مبانی دینی و مقابله با تحریف‌های تاریخی و اعتقادی مورد بی‌مهری برخی از به اصطلاح متولیان فرهنگی کشور قرار گرفته است.

این بنیان‌گذار پژوهشگاه معلم قم، برگزار کننده کنفرانس حکیم ابوالحسن جلوه و ... امروز به دور از هیاهوهای سیاسی، بلوک‌بندی‌های رایج در ساختار نظام آموزشی کشور، همچنان به دفاع از ارزش‌های الهی و انسانی ادامه می‌دهد و در مسیر انتقال میراث گران سنگ تشیع به نسل جوان گام بر می‌دارد.

گلی زواره که همه توفیقات خود را مدیون گنبد نورانی حضرت معصومه (س) و ستارگان گرد حرم این بی‌بی دو عالم می‌داند، در کتابخانه منزل خود پذیرای ما شد. کتابخانه‌ای که بیش‌تر اوقات خود، همسر و فرزندان در آن سیری می‌شود.

۱. مختصری از زندگی و تحصیلات خود بگویید؟

در اول دی‌ماه سال ۱۳۳۷ شمسی در خانواده‌ای کم بضاعت به دنیا آمدم. پدرم کشاورز بود مادرم قالی‌بافی می‌کرد. در خرداد ۱۳۵۶ در مقطع تحصیلی متوسطه فارغ‌التحصیل گردیدم. در مهرماه همان سال از طریق کنکور سراسری در دانشگاه اصفهان و در رشته جغرافیا مشغول به تحصیل شدم. به دلیل

ویژه‌ای داشت و در برخی اسناد رژیم گذشته نام و فعالیت‌های این تشکیلات آمده است. در این جلسات که توسط روحانیان انقلابی و مبارز سامان می‌یافت و احیاناً اداره می‌گردید، ضمن آشنایی با مبانی اعتقادی، مباحث تفسیری و روایی، اعضای به سوی یک جهت‌گیری سیاسی و اعلام موضع در برابر رژیم ستم‌شاهی سوق پیدا می‌کردند. من هم از این گرایش‌ها جدا نبودم و سعی می‌کردم با آثار، بیانات و اعلامیه‌های حضرت امام خمینی آشنا شوم و بدین طریق روحیه مبارزاتی خود را تقویت کنم. در سال ۱۳۵۶ و نیمه اول سال ۱۳۵۷ نسبت به توزیع اعلامیه‌های حضرت امام و سایر مراجع عظام و نیز آشنا نمودن اهالی محل با روند فکری سیاسی نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی گام‌هایی برداشتم و در مسجدها و حسینیه‌ها و نیز راهپیمایی‌هایی که ترتیب داده می‌شد، این روند را دنبال می‌کردم.

در دانشگاه اصفهان نیز همگام با دانشجویان مذهبی در حرکت‌های مبارزاتی شرکت می‌نمودم. یک‌بار پس از سخنرانی یکی از روحانیان در تخت فولاد اصفهان، مورد تعقیب عوامل ساواک قرار گرفتم، اما آنان نتوانستند مرا دست‌گیر کنند. در راه رفتن به کتابفروشی بقیه‌الله اصفهان، که کتاب‌های مذهبی و سیاسی توزیع می‌کرد، مورد بازجویی مأموران ساواک قرار گرفتم و چون نتوانستند مدرکی علیه من پیدا کنند، از چنگ آن‌ها نجات یافتم. در زواره نیز زمانی اعضای گروه پیش‌تاز مورد تعقیب قرار گرفتند و تعدادی از آنان دستگیر و روانه زندان اصفهان شدند، اما بنده و تعدادی دیگر از طریق مخفی شدن خانه به خانه مدتی از نظر مأموران سر سرده رژیم دور بودیم تا آن‌که حساسیت‌ها کاهش یافت و ما برنامه‌های خود را ادامه دادیم. یک بار که عوامل گارد ویژه اصفهان برای سرکوبی تظاهرات مردم زواره به این شهر آمدند، تصمیم گرفتیم با آتش زدن لاستیک در یکی از معابر اصلی محله دشت زواره به اتفاق آزاده ارجمند آقای سیدحسین اختشامی و پدر گرامی‌اش از پیشروی آنان بکاهیم و در ضمن اعتراض خود رایه ورود آن‌ها اعلام کنیم که ناگهان آن‌ها از خم کوچهای سر رسیدند و بنده به راهنمایی یکی از سادات محترم از طریق پشت بام خانه‌ها مسافتی را طی نمودم تا از کوچه باغ‌های شهر سر درآوردم. گاردهای تانک‌ها به زواره با حالت عصبانی دوچرخه‌ام را بر روی آتش نهادند. فعالیت‌های مزبور را ادامه می‌دادیم تا آن‌که در دوازده بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرای (س) تهران توقیف مهمی به این جانب دست داد که حضرت امام و برخی شخصیت‌ها را زیارت کنم و از آن پس نوید پیروزی انقلاب اسلامی موجی از شادمانی و سرور را برایمان به ارمغان آورد.

۳. چطور شد که به کتاب و کتابخانه روی آوردید؟

از وقتی که هنوز به مدرسه نرفته بودم یک زمینه ذوقی در وجودم جوانه زده بود که براساس آن هرکجا کتابی و نشریه‌ای می‌دیدم هیجان زده می‌گردیدم. در ایران و هنگام تعطیلی مدارس با دستمزد از کار در کوره‌های آجرپزی هم به خانواده کمک می‌کردم و هم با مکاتبه با مراکز انتشاراتی در قم و تهران و یا با مراجعه حضوری، کتاب‌های مورد علاقه خود را تهیه می‌کردم. روی آوردن به قالی‌بافی نیز برای تدارک کتاب‌های مورد علاقه‌ام بود. سرانجام در سنین جوانی و اوایل جوانی کتابخانه‌ای در منزل درست کردم که مورد توجه و استقبال برخی دوستان اهل مطالعه قرار گرفت. تعدادی از این عزیزان یا به درجات بالای علمی و پزشکی رسیده‌اند و یا به فیض شهادت نائل گردیده‌اند و عده‌ای از آنان در پست‌های مدیریتی مشغول خدمت به جامعه هستند.

۲. در دوران نوجوانی و جوانی چه تلاش‌هایی داشتید؟

از ایام نوجوانی با محافل مذهبی و جلسات دینی انس داشتم. رفته رفته و به خصوص از سال ۱۳۵۴ به بعد، این جلسات شکل سیاسی به خود گرفت و این جانب در سال ۱۳۵۴ به یک گروه مذهبی سیاسی پیوستم که نزد اهالی به پیش‌تاز معروف گردید و ژاندارمری محل و ساواک به برنامه‌های آن حساسیت

فط پیوند

محسوب می‌گردد. حضرت علی (ع) می‌فرماید «بکوش تا جست‌وجوی تو از روی دریافتن و دانستن باشد نه به شبهه‌ها در افتادن و جدال را بالا بردن»، بدیهی است این کلام ارزشمند با تفکر و مطالعه جامه عمل می‌پوشد. کتاب‌ها غالباً برای پاسخ گفتن به نیازهای فکری، روحی و معنوی جامعه تولید می‌شوند. با وجود اهمیت زاید الوصف نقش کتاب در افزایش رشد فکری و شکوفایی فضل و فضیلت در انسان‌ها، متأسفانه وضع مطالعه در ایران نگران‌کننده است. در جامعه شصت تا هفتاد میلیونی ایران تیراژ کتاب به طور متوسط دوهزار جلد است در حالی که در کشور عربستان با وجود آن که حدود ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد شمارگان معمولی کتاب‌ها بین پنج تا ده هزار نسخه است! گویی کشورهای عربی اگرچه از لحاظ معیارهای توسعه یافتگی پیشرفته نیستند اما نخستین گام‌های ایجاد تحولات فرهنگی را با موفقیت پشت سر نهاده‌اند.

با وجود آن که میانگین جهانی استفاده از کتاب برای هر فرد حدود ۲۶۰ دقیقه در هر شبانه روز تخمین زده می‌شود، متأسفانه اهل مطالعه در ایران تنها ۵۳ دقیقه در هفته وقت خود را به مطالعه اختصاص می‌دهند. از سوی دیگر با وجود آن که حدود ۴۵ میلیون نفر با سواد در این کشور وجود دارد، اما کم‌تر از نیمی از آن‌ها کتاب می‌خوانند. براساس یک پژوهش فرهنگی مشخص گردیده که کارایی کتابخانه‌های عمومی ایران چیزی در حدود دو درصد است که این در کشورهای پیشرفته ۲۴ درصد است، به علاوه پنجاه درصد مدارس کشور کتابخانه ندارند. از این میزان نیز حدود سی درصد تا حدی فعال هستند. گویی در ایران به این یار مهربان یعنی کتاب بی‌مهری می‌شود و کتاب نخواندن کم‌کم حالت یک عادت را به خود می‌گیرد. متوسط هزینه‌ای که هر خانوار ایرانی در سال ۱۳۷۸ برای نوشابه پرداخته چهاربرابر هزینه پرداخت شده برای کتاب بوده است. در یکی از جمهوری‌های آسیای میانه با پنج میلیون نفر سکنه، تیراژ متوسط کتاب چهل‌هزار نسخه است.

۶. برای روی آوردن نسل نواخته به کتاب و مطالعه چه پیشنهادهایی دارید؟

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در زمینه توسعه مسایل فرهنگی و به خصوص کتاب، اقدامات ارزنده و چشمگیری انجام پذیرفته است، اما این

کارهای ساختمانی، احداث پل‌ها، احیا و مرمت قنات‌ها، درست کردن راه‌های روستایی و امور فرهنگی تبلیغی بودم اما این امور مرا قانع نمی‌کرد و به ابتکار خود و با همکاری دوستان دانشجوی رشته پزشکی و برخی عزیزان پزشک، داروخانه‌ای تأسیس نمودم که با هم‌پاری مردم و حمایت جهاد سازندگی به اصفهان، تهران و قم تحت نظر جهاد سازندگی به فعالیت خود ادامه داد و با محدود گردیدن فعالیت‌های بهداشتی و درمانی این نهاد، با پی‌گیری‌های مستمر و مراجعه حضوری به کمیته امداد، داروخانه را زیر نظر کمیته امداد بردم که تا سال ۱۳۶۹ دایر بود. این داروخانه با وجود امکانات اندک و سرمایه‌های محدود موفق گردید داروهای کمیته پزشکی اعزامی به روستاها را تأمین کند، نسخه‌های افراد محروم و بی‌بضاعت را بی‌چند، بدون آن‌که وجهی دریافت نماید و نیز تعدادی قابل توجه دارو به جبهه‌های جنگ ارسال داشته است. تأمین وسایل کمک‌های اولیه مدارس روستاهای زواره نیز از برنامه‌های این داروخانه بود. نحوه و چگونگی نسخه پیچی، تزریقات و پانسمان و آشنایی با صدها قلم دارو را به صورت خودجوش فرا گرفته بودم.

۵. اوضاع کتابخوانی در ایران چگونه است؟

کتاب ابزار انتخاب پیام، فرهنگ و تمدن از نسلی به نسل دیگر است و ابزار کمال و تفکر می‌باشد. مطالعه، استعدادهای آدمی را شکوفا می‌کند. مطالعه بر خلاف تصور برخی تفریحی، تفرنی و تزئینی نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و در فرهنگ اسلامی این برنامه یک فضیلت

قبل از انقلاب اسلامی کتابخانه‌ای در مسجد محله تشکیل دادم که یکی از اعضای حزب رستاخیز به بهانه‌ای واهی آن را مورد تعرض قرارداد و کتاب‌هایش را از مسجد بیرون ریخت. در خوابگاه دانشگاه اصفهان نیز با همکاری دوستان دانشجوی کتابخانه‌ای بنیان نهادم که مدت‌ها مورد استفاده دانشجویان قرار می‌گرفت. انس با کتاب، با خون و پوستم عجین بود. اکنون نیز کتابخانه‌ای در خانه دارم که از بدو شکل گرفتن در سال ۱۳۵۰، تاکنون که ۳۳ سال از آن می‌گذرد، تحولات و دگرگونی‌هایی را پشت سر گذارده و به شکلی درآمده که بتواند هم نیاز تحقیقاتی و مطالعاتی خود و اهل خانه را برطرف کند و هم با دوستان نویسنده از طریق امانت این کتاب‌ها همکاری داشته باشم. در این کتابخانه مجموعه‌هایی به صورت بریده‌هایی از مجلات و نشریات و جراید و نیز فتوکپی برخی آثار کمیاب وجود دارد و عده‌ای از دوستان که در قم، اصفهان، کاشان و تهران اقامت دارند، لطف نموده و مرا در جهت غنی ساختن آن یاری می‌نمایند. نه تنها از امانت دادن کتاب‌ها اگرایی ندارم، بلکه گاهی یادداشت‌های دست‌نویس و فیش‌های منحصر به فرد خود را در اختیار برخی مؤلفان قرار داده‌ام و در گفت‌وگوهای تلفنی و مکاتبات و صحبت‌های حضوری علاقه‌مندان را در موضوع شناسی و معرفی منابع جدید راهنمایی می‌کنم. ناگفته نماند که تجارب اکتسابی در خصوص کتاب‌شناسی غیر از کتابداری است و چنین مهارت‌هایی به آسانی به دست نمی‌آید و محصول تحمل مرارت‌ها، خون دل خوردن‌ها و ... مقاومت در برابر رشک ورزی‌ها و جاهل‌هایی بوده است. به برکت این تجربه بسیاری از کتابخانه‌های عمومی و آموزشی را در استان‌های اصفهان، قم، چهارمحال و بختیاری در موضوعات متنوع ساماندهی کرده و یا در جهت اصلاح کمی و کیفی و ساختاری آن‌ها کوشیده‌ام.

۴. از فعالیت‌های اجتماعی خود بگویید؟

در تابستان سال ۱۳۵۸ که تصمیم گرفته بودم تعدادی از واحدهای درسی دانشگاه را بگذرانم به دنبال فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تأسیس جهادسازندگی از این برنامه منصرف شدم و همراه با جمعی از دانشجویان که شهید نیلفروش‌زاده بین آن‌ها چون گوهری می‌درخشید، به منطقه اردستان و زواره آمدم تا جهادسازندگی را در این ناحیه تأسیس نموده و از این طریق به عمران و آبادانی روستاهای محروم کویری بپردازیم که به لطف خداوند و همت این عزیزان با اخلاص تلاش‌های مذکور بسیار با برکت و موفقیت‌آموز بود. هم زمان با این فعالیت‌ها با صندوق حمایت از مستضعفین که به خانواده‌های بی‌بضاعت رسیدگی می‌کرد همکاری داشتم. در سال ۱۳۵۹ به دنبال انقلاب فرهنگی و تعطیلی موقت دانشگاه‌ها، فعالیت در جهاد سازندگی را ادامه دادم و به عنوان مسئول دفتر جهادسازندگی زواره در حال پی‌گیری



۹. درباره ترویج فرهنگ انتظار و آشنایی جوانان با حضرت مهدی چه نظری دارید؟

منتظران مهدی افرادی هستند که در انتظار تحقق یافتن دادگستری حضرت مهدی می‌باشند و این دوران انتظار آنان توأم با تزکیه، اعمال نیک، پالایش درونی، تفرّ از ستم و دفاع از حق می‌باشد. در واقع او برای پایداری عدالت یک لحظه از پای نمی‌نشیند. انتظار فرج تعهدآفرین و مسئولیت‌ساز است و با راحت طلبی، زندگی اشرافی، روی آوردن به زندگی دنیوی و غافل گردیدن از حقایق معنوی و بی‌اعتنایی به سرنوشت انسان‌ها و اعراض از فضایل و مکارم، منافات دارد.

جوانان منتظر حضرت مهدی (عج) با درک مفهوم انتظار، فداکاری، تحمل مشکلات و مقاومت به استقبال ظهور خورشید می‌روند. ابتکارگران جنگ تحمیلی، جانبازان، بسیجیان و آزادگان در عرصه عمل ثابت کردند که می‌توانند مهابی پذیرایی مهدی موعود باشند و برای رویت طلعت یار لحظه شماری می‌کنند. انتظاری این گونه عبادت محسوب می‌گردد و اجر و پاداش فراوان دارد و منتظران حقیقی هم‌چون کسانی هستند که در زمان حضرت مهدی در راه خدا جهاد می‌نمایند.

جوانان عزیز باید به نیکی و با بصیرت بدانند که انتظار فرج تبلور ولایت اهل بیت عصمت و طهارت است و شخص منتظر در چنین حالتی با دشمنان خاندان عترت و شرارت‌های نفاق و تهاجم فرهنگی و فکری استیکار مقابله می‌کند. در عین حال، واجبی راترک نمی‌کند و هرگز مرتکب خلاف و گناه نمی‌شود. یاد حضرت مهدی در اعماق قلوب نسل جوان چشمه‌ای با برکت جاری می‌کند؛ چشمه‌ای که از آن می‌توان مروریدهای شجاعت، فضیلت و حسنات صید کرد. اصلاح‌طلب واقعی کسی است که برای استقبال از خورشید عدالت یک لحظه تبعیض، محرومیت، تحریف و نفاق را نمی‌پذیرد و با جرقه‌های فساد و ابتذال کنار نمی‌آید و در برابر ملی‌گرایان فضیلت سوز و حامیان دروغین آزادی و دموکراسی، سروقامت می‌ایستد و با آنان مداخله نمی‌کند.

آری جوان مسلمان همواره در انتظار امامی معصوم است که چون خورشیدی در پس ابرها می‌باشد و روزی از افق حقیقت طلوع خواهد کرد. جوان منتظر با یاد مهدی، نهال تاب ارزش‌های جاویدان را آبیاری می‌کند و در این مسیر هیچ‌گونه نگرانی و پروایی از خصم برون و درون ندارد. انانی که در غبار بیابان نشسته‌اند و خود را به گرداب گناه نزدیک نموده‌اند، چگونه لیاقت زیستن در دولت عدل مهدی را دارند و چگونه می‌خواهند در رکاب حضرتش فداکاری کنند؟

اسلام با بعثت نبی اکرم به اوج رسید، در غدیر جاودانه شد و با خون عاشوراییان آبیاری گشت و می‌رود که به دست آخرین معصوم به مقصد نهایی گام نهد و از بوستان معطر نبوی و علوی و گلستان عترت میوه‌های عدالت و گل‌های فضیلت را برچیند و جهانیان را با رایحه عطرآگین این گل‌ها پرنشاط و امیدوار سازد. آن‌ها که به بیراهه می‌روند، تن پرورانی که به استهزا نشسته‌اند، دشمنانی که از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند و منافقانی که در برابر ارزش‌ها ایستاده‌اند، نه تنها نمی‌توانند از پرتو خورشید دوازدهم امامت بهره ببرند، بلکه از شعاع‌های آن نیز وحشت دارند. اجازه ندهیم دست‌های ناپاک، تفکر ناب تشیع را به انحراف بکشاند تا زمان ظهور آن امام همام باید محکم‌ها خورد و غریبال‌ها شد تا تنها وارثان راستین زمین برجای بمانند. انتظار برای نسل جوان مهلتی است تا به جمع این وارثان صالح بیوندند.

دهند و هم از نظام اسلامی می‌خواهند این مطالبات را عملی سازند؟!

آری، جوانی نیروی قوی و قابل توجهی است که در هر زمان می‌تواند مبدأ حرکت‌ها و تحولات بزرگ باشد و اگر برنامه‌ریزی‌ها درست و هدایت شده نباشد، این سرمایه ارزنده، راه آشفته و پر هرج و مرجی را طی می‌کند. جوانی بارانی است که می‌تواند در بستری آرام روان گردد و موجی از صفا و نشاط پدید آورد و اگر غیر از این باشد به سیلابی خاتمان برانداز تبدیل می‌گردد. بحران‌ها و نگرانی‌های نسل جوان اگرچه توأم با مشکلاتی هستند، ولی به خوبی قابل حل می‌باشند. تقویت هویت، توجه دادن نسل جوان به فرهنگ غنی دینی و فضیلت‌های اخلاقی می‌تواند آنان را از توفان حوادث و مرداب‌های مهلک برهاند. جوانان باید به فرمایش امام خمینی در این مقطع سنی پربار خود را به خصلت‌های خوب عادت دهند تا در سنین بالاتر با نگرانی، تشویش و بی‌هویتی مواجه نگردند. آن‌که از آزادی جوان دم می‌زند، باید این حقیقت را به او تفهیم کند که در فضای آزادی، مسئولیت و تعهد وجود دارد و در واقع آزادی مسئولیت‌آفرین است. نباید برای رسیدن به مقاصد زودگذر و فانی‌پذیر و هدف‌های آمیخته به امیال و هواهای نفسانی احساسات نسل جوان را تحریک کرد، زیرا هیجان‌هایی که پشتوانه ارزشی، عقلی و برهانی ندارند، زوال‌پذیر و آسیب‌زا هستند. نکته دیگر این‌که پرداختن به مسایل جوانان بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی امری بیهوده و ایت‌ر است.

۸. از کی به نوشتن روی آوردید و در چه محورهایی می‌نویسید؟

در سال ۱۳۵۵ برای اولین بار مطالبی روی کاغذ آوردم، آن‌چه که قبل از انقلاب نوشته‌ام، غالباً در محافل فرهنگی و مذهبی مطالعه می‌گردید. یکی از آن‌ها مقاله‌ای بود با عنوان «زهد سازنده» که چون در آن از حضرات امام به عنوان زاهد شب و شیر روزگار نام بردم، که حساسیت ژاندارمری محله را در پی داشت، پس ناگزیر گردیدم نوشتار مزبور را با افکندن در چاه آبی کاملاً محو کنم و سوزهای به دست عوامل رژیم سابق ندهم. به تدریج پس از پیروزی انقلاب اسلامی مقالاتی می‌نوشتیم که در روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی، رسالت و همشهری درج می‌گردید. محور کارهای پژوهشی و آثار نوشتاری نگارنده، تاریخ و جغرافیای جهان اسلام و دنیای تشیع، مشاهیر تشیع و نامداران فرهنگ و اندیشه، موضوعات تربیتی، اخلاقی، خانوادگی، نقد و معرفی کتاب و کتابشناسی و نیز تحریف شناسی متون تعزیه می‌باشد. محصول این تلاش منبعث از لطف الهی و توجهات اهل بیت (ع)، یک‌صد مقاله و متجاوز از بیست جلد کتاب است. مقالات نیز در مجلاتی چون بصائر، فرهنگ کوثر، پاسدار اسلام، آینه پژوهش، پیام زن، مشکات، مکتب اسلام، کتاب ماه دین، فصلنامه ذخائر انقلاب، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، کیهان اندیشه، مبلغان، نورعلم، ره‌توشه راهیان نور، ستارگان حرم، زائر و ... درج گردیده‌اند. کتاب سرزمین اسلام (از نخستین تألیفات نگارنده) در رشته تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم، کتاب درسی است و بر برخی آثار آیات گران‌قدر علامه حسن‌زاده‌املی و جعفر سبحانی مقدمه نوشته‌اند. در ضمن فراخوانی تعدادی از همایش‌های علمی و هنری و فرهنگی را از طریق ارائه مقاله نیز پاسخ گفتم و همه این‌ها به برکت تفضلات الهی و حمایت فکری و علمی دوستان محقق و به خصوص مؤلفان حوزوی بوده است. همایش یک‌صدمین سالگرد رحلت حکیم جلوه را نیز با حضور استادان حوزه و دانشگاه و عده‌ای از محققان در سال ۱۳۷۳ در زواره برگزار نمودم.

تلاش‌ها اگرچه مفید و قابل اعتنا بوده‌اند ولی راه حل بنیادی نبوده‌اند و به همین لحاظ دست‌اندرکاران فرهنگ موفق نشده‌اند در افزایش شمارگان کتاب موفقیت‌های قابل اعتنایی به وجود آورند. آشنایی و انس با کتاب از خانه و خانواده آغاز می‌گردد. متأسفانه در اغلب خانواده‌ها مطالعه جایی ندارد و والدین کتابخوانی را به کتب درسی و کمک آموزشی منحصر کرده‌اند. خانواده اولین رکنی است که می‌تواند عادت خواندن کتاب را در فرزندان به وجود آورد. اگر والدین یا خود به خواندن کتاب مشغول شوند و یا آن‌که برای اطفال کتاب بخوانند، رفته رفته روح و روان بچه‌ها به سوی مطالعه سوق داده می‌شود. شخصیت انسان در دوران کودکی باتاثیرپذیری از محیط خانواده شکل می‌گیرد. این‌که کتاب در سید خانواده‌ها نقش ناچیزی دارد و عده‌ای می‌گویند کتاب گران است و وقت خواندن آن را نداریم، قابل قبول نیست. در مدارس نیز ساعتی برای کتابخوانی وجود ندارد. حجم زیاد مطالب درسی و وقت اندک نیز به دانش‌آموزان فرصت نمی‌دهد که به کتابخانه سری بزنند. به علاوه کتابداران مدارس اغلب کم‌علاقه و غیر متخصص هستند و برای جذب دانش‌آموزان به کتاب انگیزه‌ای ندارند. با وارد شدن کودک به مدرسه این محیط آموزشی است که باید نقش فعالی در ترغیب فراگیران به خواندن بر عهده گیرد، در حالی که چنین زمینه‌هایی در نظام آموزشی ایران وجود ندارد یا ضعیف است. معلمان می‌توانند با برگزاری کنفرانس در کلاس، هم‌فرضی درس و بحث را فعال و پویا کنند و نیز دانش‌آموزان را وادار نمایند به مطالعه منابع غیردرسی روی آورند.

متولیان امور فرهنگی هم باید در زمینه کتابخوانی فرهنگ‌سازی کنند. میانی این حرکت در منابع قرآنی و روایی و فرهنگ اسلام نهفته است. برای نهادینه شدن این امر ارزشمند، باید تمامی نهادهای ارگان‌های فرهنگی با تفاهم کامل و همسویی فعالیت کنند. سیاست‌های روشن فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های عمیق و درازمدت و بنیادی به جامعه آراش و اعتماد به نفس می‌بخشد و رفته رفته کتاب را از انبارهای ناشران و کتابفروشی‌ها به سوی خانه و مدرسه روان می‌کند.

امام خمینی می‌فرمایند «من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازند و آنان را تا رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنند» این بیانات امام، در قدم نخست بامطالعه و تحقیق در جامعه نمود پیدا می‌کند.

۷. تعریف شما از جوانی چیست؟

جوانی در واقع فصل بهار، رویش و نشاط زندگی است. نسل جوان باید در این مقطع از عمر خود ذخیره‌های ارزشمند خویش را به کار گیرند و در مزرعه وجودشان بذریه عزت، عظمت و معرفت را شکوفا سازند. انقلاب اسلامی در مرحله تکوین پیروزی و تثبیت، مرهون فداکاری‌های نسل جوان بوده و در آینده نیز به همت و تلاش مستمر این قشر پرشور متکی است.

به فرمایش مقام معظم رهبری باید افراد از برخی گرایش‌های افراطی و تفریطی در مورد جوانان پرهیز کنند. نادیده گرفتن شخصیت، فهم و توانایی‌های جوان و یا تلاش برای استفاده ابزاری از او در میدان‌های سیاسی و حزبی، گرایش‌های انحرافی و مخرب، در واقع تضییع نعمت‌های الهی اعطاء شده به این نسل پویاست. متأسفانه برخی خواست‌های مصنوعی را به جوانان تزریق کرده‌اند که واقعی و منطقی نبوده و همان‌ها که این تزریقات را انجام داده‌اند، از جوانان می‌خواهند چنین مطالباتی را بروز